ره آوردهاى زيارت ائمه اطهارعليهم السلام‏از ديدگاه پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله‏

حسين رحمانى‏

تعظيم و نكوداشت بزرگان و فرهيختگان و نيز زنده نگه داشتن نام و ياد ايشان پس از مرگ، لازمه محبت، عشق و ارادت انسان به نيكى‏ها و كمالات است و ريشه در فطرت و سرشت آدمى دارد.(1) ناگفته عيان است كه اين عزت و احترام در مورد رهبران دينى به عنوان فرهنگ سازان و متحول كنندگان تاريخ به طريق اولى، صادق است و با اندك نگاهى به كتاب قطور تاريخ در مى‏يابيم كه پيش از اسلام و پس از آن هميشه قبرهاى صالحان و اولياى الهى، مورد توجه خاص و زيارت مردم بوده است و تا قرن يازدهم هجرى بين مسلمانان - اعم از شيعه و اهل سنت - هيچ گونه اختلافى در اين مسأله به چشم نمى‏خورد و هر دو رساله هايى در اين موضوع نگاشته‏اند.(2) در حقيقت، آنان از رهگذر زيارت اقدام به بزرگداشت مفاخر و صاحبان كمال خويش مى‏كردند.

افزون بر اين، روايات بسيارى نيز در متون دينى ما مسلمانان وجود دارد كه جايگاه زيارت ائمه اطهار - عليهم السلام - و فضيلت آن را در اسلام روشن مى‏سازد. پاره‏اى از اين روايات را نبى اكرم اسلام حضرت محمد مصطفى - صلى الله عليه و آله - بيان كرده‏اند. ممكن است در ابتداى امر اين پرسش به ذهن آدمى خطور كند كه هدف پيامبر از بيان اين گونه احاديث چه بوده است؟ چرا حضرت، مسلمانان را به زيارت افرادى تشويق و ترغيب مى‏كنند كه در آن زمان - صدر اسلام - هنوز اين بزرگواران پا به عرصه حيات نگذاشته‏اند؟

با اندكى تأمل و درنگ در روايات مذكور، كاملا روشن مى‏شود كه هدف پيامبر چيزى جز هدايت مسلمانان نيست؛ چرا كه اين روايات يك نوع اتمام حجتى است از سوى پيامبر اسلام براى مسلمانان در زمينه منصب زعامت و ولايت. حضرت ختمى مرتبت با بيان اين گونه روايات به مسلمانان نشان مى‏دهند كه رداى امامت و رهبرى اسلام پس از ايشان، برازنده قامت چه افرادى است. اين روايات نه تنها جايگاه و منزلت واقعى پيشوايان اسلام را بيان مى‏كند، بلكه اين گونه روايات با بيان پاداش‏ها و ثواب‏هاى دنيايى و آخرتى نهفته در زيارت ائمه اطهار - عليهم السلام - يك مشوق عظيم و قوى خواهد بود براى اظهار عشق و ارادت محبان به محبوب، براى دل دادن صميمانه دل دادگان در كوى دل دار و سرانجام براى سر سپردن سربازان فداكار در پيش سردار.

نوشته حاضر بر آن است كه در پرتو احاديث نبوى، ره‏آوردهاى زيارت هر يك از پنج تن آل عبا - عليهم‏السلام - را مورد بررسى قرار دهد.

روايت‏هاى نبوى كه در زيارت ائمه اطهار - عليهم السلام - به دست ما رسيده است در يك نگاه كلى، دو دسته‏اند:

1 - روايت‏هاى ويژه‏اى كه در خصوص يكى از معصومان - عليهم‏السلام - نقل شده است؛

2 - روايت‏هاى عامى كه زيارت همه ائمه اطهارعليهم السلام‏را در بر مى‏گيرد.

روايات مربوط به فضيلت زيارت صديقه كبرى، فاطمه زهراعليها السلام و اميرالمؤمنان على‏عليه السلام‏و امام حسن و امام حسين و نيز امام على بن موسى الرضاعليه السلام‏بر خلاف ساير ائمه‏عليهم السلام‏از نوع اول است. اما اين امر هيچ دليلى بر ترجيح اين بزرگواران بر ساير ائمه اطهارعليهم السلام‏از نظر پيامبر اسلام نمى‏شود، چرا كه در جاى خود ثابت شده است كه ائمه اطهارعليهم السلام‏يك نور در چهارده رواق هستند:

«و ان ارواحكم و نوركم و طينتكم واحدة.»(3)

زيد شحام در اين باره از امام صادق - عليه السلام پرسيد: امام حسن - عليه‏السلام - افضل است يا امام حسين - عليه السلام -؟

آن حضرت در جواب فرمودند:

«ان فضل اولنا يلحق بفضل آخرنا و فضل آخرنا يلحق اولنا... خلقنا واحدة و علمنا واحد و فضلنا واحدة و كلنا واحدة... اولنا محمد و اوسطنا محمد و آخرنا محمد.»(4)

«فضل اول ما به آخر ما و فضل آخر ما به اول ما بر مى‏گردد... خلقت ما يكى است، علم ما يكى است، فضل ما يكى است، همه ما در پيش خدا يكى هستيم... اول ما محمد است، وسط ما محمد است، آخر ما نيز محمد است.»

شبيه اين مطلب را عبدالرحمن بن مسلم از امام كاظم - عليه السلام - پرسيد و گفت: زيارت اميرالمؤمنان - عليه السلام - افضل است يا زيارت امام حسين - عليه السلام - يا زيارت فلان امام، فلان امام...؟ سپس يك يك امامان را نام برد.

امام كاظم - عليه السلام - در جواب فرمود:

«يا عبدالرحمن بن مسلم من زار اولنا فقد زار آخرنا و من زار آخرنا فقد زار اولنا و من تولى أولنا فقد تولى آخرنا و من تولى آخرنا فقد تولى أولنا، و من قضى حاجة لأحد من أوليائنا فكأنما قضاها لجميعنا... .»(5)

«اى عبدالرحمن! هر كس كه اولين ما را زيارت كند، آخرين نفر ما را زيارت كرده است، چنان كه اگر آخرين ما را زيارت كند، اولين نفر ما را زيارت كرده است. هر كس ولايت اولين نفر ما را بپذيرد، ولايت آخرين نفر ما را پذيرفته است. كسى كه حاجت يكى از دوستان ما را برآورد، گويا حاجت همه ما را برآورده است... .»

بنابراين، زيارت هر كدام در حقيقت زيارت همه آنان است و از نظر فضيلت نيز يكسان است، ليكن برخى عوارض خارجى، مانند دورى راه، غربت، فشار و سخت‏گيرى‏هاى حاكمان ستمگر و يا عوامل ديگرى كه ما نمى‏توانيم بفهميم، سبب شده كه به زيارت برخى از امامان - عليهم‏السلام - توصيه ويژه‏اى، يا ثواب مخصوصى ذكر كرده‏اند.

مفهوم زيارت‏

زيارت از ريشه «زور» است. اصل اين واژه به معناى ميل و عدول از چيزى است. دروغ را از اين جهت، زور گفته‏اند كه مايل و منحرف از راه حق مى‏شود.(6)

احمد بن فارس در ادامه مى‏گويد: زائر را از آن جهت زائر مى‏گويند كه وقتى به زيارت تو مى‏آيد از غير عدول مى‏كند و رو بر مى‏گرداند.(7)

از اين رو، برخى گفته‏اند: زيارت به معناى قصد و توجه است.(8)

فيومى با توجه به اين امر، در ادامه مى‏گويد:

«زيارت، در عرف آن است كه انسان با انگيزه بزرگداشت كسى و انس گرفتن با او به سوى وى روى آورد.»(9)

حال با روشن شدن مفهوم زيارت، فضيلت و ره‏آوردهاى زيارت پنج تن آل عبا را از ديدگاه پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - در پنج بخش، مورد بررسى قرار مى‏دهيم.

بخش اول: زيارت نبى اكرم‏صلى الله عليه وآله‏

عبدالله، پسر عمر از رسول اكرم‏صلى الله عليه وآله‏نقل مى‏كند:

«من جائنى زائرا لاتحمله الا زيارتى كان حقا على أن أكون له شفيعا يوم القيامة.»(10)

«هر كس به زيارت من بيايد و انگيزه‏اى جز زيارتم نداشته باشد، بر من لازم است كه شفيع او در روز قيامت باشم.»

متتبع بزرگ، علامه امينى‏رحمه الله‏اين حديث را از شانزده تن از محدثان و حافظان اهل سنت نقل كرده است. همچنين وى آورده است: چهل و يك نفر از بزرگان اهل سنت از عبدالله بن عمر نقل كرده‏اند كه پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - فرموده است:

«هر كس قبر مرا زيارت كند، شفاعت من بر او واجب مى‏شود.»(11)

اين عالم فرهيخته، افزون بر اين دو روايت، بيست روايت ديگر را از منابع اهل سنت نقل كرده است.(12)

در كامل الزيارات از پيامبر اسلام اين گونه نقل شده است:

«هر كس مرا در زمان حيات و يا پس از وفاتم زيارت كند، به طور حتم در روز قيامت هم جوار با من خواهد بود.»(13)

در جايى ديگر پيامبر اسلام در اين باره فرمودند:

«من زارنى بعد وفاتى كان كمن زارنى فى حياتى و كنت له شهيداً و شافعاً يوم القيامة.»(14)

«هر كس مرا پس از وفاتم زيارت كند، مانند كسى است كه مرا در زمان حياتم زيارت كرده است و من در روز قيامت نسبت به اين امر براى وى شهادت مى‏دهم و شافع او خواهم بود.»

از پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله‏نيز نقل شده است:

«هر كه مرا بعد از وفاتم زيارت كند، گويا فاطمه را زيارت كرده است.»(15)

ره‏آوردهاى زيارت‏

ره‏آوردهاى زيارت پيامبر اكرم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله‏وسلم - در دنيا و آخرت عبارت‏اند از:

1 - شفاعت نبى اكرم در روز قيامت‏

2 - هم جوار بودن با حضرت‏

3 - زيارت فاطمه كبرى‏عليها السلام‏

با توجه به روايات مذكور، در مى‏يابيم كه شفاعت و هم جوار بودن با پيامبر در روز قيامت نصيب فردى مى‏شود كه در اين دنيا توفيق زيارت حضرت را كسب كرده باشد و اين دو مسأله از اهميت بسيار بالايى برخوردار است. ميزان اهميت اين دو امر زمانى كاملا روشن مى‏شود كه فرد ويژگى‏هاى قيامت و حوادث هول‏انگيز و دهشت زاى آن روز را در ذهن خويش مجسم كند. حوادثى كه هر انسان مؤمنى را عميقا در فكر فرو مى‏برد و لرزه به تن آدمى مى‏اندازد.(16) بر پايه آموزه‏هاى قرآن، در آن روز چنان هول و اضطرابى از حساب و كتاب دقيق الهى و بيم از رسوايى در حضور جميع خلايق و گرفتارى در عذاب دردناكى كه خلاصى از آن ممكن نيست به انسان دست مى‏دهد كه با هيچ بيانى قابل شرح نيست.

«و انذر هم يوم الازفة اذ القلوب لدى الحناجر كاظمين.»(17)

«آنها را از روز نزديك (قيامت) بترسان. روزى كه از شدت وحشت جان‏ها به گلو مى‏رسد و تمامى وجود آنها مملو از اندوه مى‏گردد.»

در آن روز هر كس چنان به خود مشغول است و در پيچ و خم اعمال خويش گرفتار، كه به ديگرى نمى‏پردازد، حتى پدر و فرزند كه نزديكترين رابطه را با هم دارند، هيچ كدام به فكر ديگرى نيستند:

«...و اخشوا يوما لايجزى والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شيئا...»(18)

«از روزى بپرسيد كه نه پدر جزاى اعمال فرزند خود را تحمل مى‏كند و نه فرزند چيزى از جزاى پدر را.»

با اين توصيف، تنها شفاعت و عنايت ائمه اطهار - عليهم السلام - است كه مى‏تواند انسان را از اين شرايط سخت و دشوار نجات دهد و به فردوس برين برساند؛ چرا كه خود حضرت فرمودند:

«من أتانى زائرا وجبت له شفاعتى و من وجبت له شفاعتى وجبت له الجنة.»(19)

«هر كس به زيارت من بيايد، شفاعت من بر او واجب مى‏شود و هر كه شفاعت من بر او واجب باشد، فردوس بر او واجب خواهد شد.»

بايد توجه داشت كه ائمه اطهار - عليهم السلام - را مى‏توان با حضور در كنار بارگاه مطهر آنان زيارت كرد هم چنان كه زيارت دور نيز مورد قبول و توصيه است اما سفارش و تأكيد روايات بر حضور زائر در كنار مزار شريف امامان بيشتر است.

اسحاق بن عمار از امام صادق - عليه السلام - روايت مى‏كند كه فرمود:

«مروا بالمدينة فسلموا على رسول الله - صلى الله عليه و آله - و ان كانت الصلاة تبلغة من بعيد.»

«به مدينه برويد و بر پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - سلام بدهيد هر چند كه سلام و درود از راه دور به آن حضرت نيز مى‏رسد.»(20)

اين حديث نشان مى‏دهد كه حضور زائر در كنار مزار و قبر مطهر خصوصيتى دارد. از اين رو، مورد توصيه و سفارش قرار گرفته است.

برخى از اين خصوصيت‏ها، عبارت است از:

1 - بهره‏مند شدن از فضاى معنوى حرم‏هاى شريف - كه محل تردد فرشتگان، ارواح انبيا و اوليا و محل تردد و تعلق ويژه روح بلند آن معصوم است - و دعا كردن در مظان استجابت دعا. به عنوان نمونه در روايات آمده است كه دعا در حائر حسينى (زير گنبد اباعبداللَّه‏الحسين) مستجاب است و نيز در گروهى از روايات آمده است كه حرم پاك حضرت رضا - عليه‏السلام - بهشتى است؛

2 - گسترش فرهنگ توحيدى و ولايت اهل بيت عصمت و طهارت - عليهم‏السلام - در بين راه‏ها و شهرهاى مسير مشاهد مشرفه.

3 - نشانه صداقت زائر در دوستى و علاقه به معصوم.

4 - ارتباط ملت‏ها و مليت‏هاى مختلف و آگاهى از مشكلات، مشقات و امكانات همديگر؛

5 - عمل به توصيه كلى قرآن بر سير در زمين و تماشاى فرجام مجرمان:

«قل سيروا فى الارض فانظروا كيف كان عاقبة المجرمين»(21)

6 - وفادارى به مقتدا و تعهد به پيمانى كه با او بسته است؛

7 - حرم‏هاى شريف امامان معصوم در طول تاريخ مركز علم، تبليغ، و ترويج دين، مبداء قيام‏ها و نهضت‏ها، محل پيمان بستن و هم قسم شدن براى انقلاب‏هاى رهايى بخش و... بوده است‏

اين بركات جملگى از رفت و آمد و مراوده زائران ناشى مى‏شود.(22)

بخش دوم: زيارت امير مؤمنان، على‏عليه السلام‏

امام صادق‏عليه السلام‏در خصوص زيارت اميرالمؤمنان على بن ابى‏طالب‏عليه السلام‏از پدران بزرگوار خويش و ايشان از پيامبر اسلام‏صلى الله عليه وآله‏نقل مى‏كنند:

«هر كه على‏عليه السلام‏را پس از وفاتش، زيارت كند، بهشت از آن اوست.»(23)

اسحاق بن عمار نيز در اين باره مى‏گويد از امام صادق‏عليه السلام‏شنيدم كه مى‏فرمودند: «فرد باديه نشينى خدمت رسول خداصلى الله عليه وآله‏رسيد و به حضرت گفت: منزل من از منزل شما دور است ولى با اين همه شما را دوست دارم و مشتاق زيارت شما هستم. از اين رو سوى منزل شما روانه مى‏شوم اما شما را نمى‏يابم و فقط على بن ابى‏طالب‏عليه السلام‏را پيدا مى‏كنم، حضرت با كلام و موعظه هايش، انيس من مى‏شود، سپس من (به سوى كاشانه خود) بر مى‏گردم و از اين كه موفق به زيارت شما نشده‏ام، متأسف و پشيمان هستم. پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله‏خطاب به او فرمود:

«من زار عليا فقد زارنى و من احبه فقد احبنى و من ابغضه فقد ابغضنى.»

«هر كه على را زيارت كند، در حقيقت مرا زيارت كرده است و هر كه او را دوست بدارد، در واقع مرا دوست داشته و هر كس او را خشمگين سازد، همانا مرا خشمگين ساخته است.»

سپس در ادامه به آن مرد اعرابى فرمودند: «اين پيام مرا به اقوام و نزديكان خود برسان و بدان هر كه به زيارت او برود، به طور يقين مرا زيارت كرده است و من و جبرائيل و مؤمنان صالح، پاداش دهنده او در روز قيامت خواهيم بود.»(24)

در حديثى ديگر جابر بن انصارى از پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله‏وسلم نقل مى‏كند:

«هر كه على بن ابى‏طالب را زيارت كند، همانند اين است كه فاطمه‏عليها السلام‏را زيارت كرده باشد.»(25)

ره‏آوردهاى زيارت‏

ره‏آوردهاى زيارت حضرت على - عليه‏السلام - عبارت است از:

1 - زائر اميرالمؤمنان، زائر پيامبر اكرم و صديقه كبرى فاطمه زهراعليها السلام است؛

2 - پيامبر اكرم و حضرت جبرائيل و ساير مؤمنان صالح، پاداش دهنده او در روز قيامت خواهند بود؛

3 - بهشت، فرجام خوشايند، زائر اميرالمؤمنان است.

در اينجا، توجه به چند نكته ضرورى است:

الف: مطالب بيان شده به عنوان ره‏آورد زيارت، تنها فضيلت هايى است كه نبى اكرم - صلى الله عليه و آله - براى زيارت اميرمؤمنان، على‏بن‏ابى‏طالب، بيان كرده‏اند و فضايل بيان شده از سوى ساير ائمه‏عليهم السلام‏به مراتب بيش از اين است. اما از آنجا كه موضوع اين نوشتار بررسى ره‏آوردهاى زيارت از ديدگاه پيامبر اسلام است پس در اين بخش و ساير بخش‏ها تنها ديدگاه پيامبر - صلى الله عليه و آله - مورد بررسى قرار مى‏گيرد.

ب: در حديث اسحق بن عمار، پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - بر اهميت و فضيلت زيارت امام على - عليه السلام - بسيار پافشارى مى‏كند؛ چرا كه از يك سو پيامبر، با تكرار جمله «من اتاه فقد اتانى» جمله «من زار عليا فقد زارنى» را تأكيد مى‏كند و از سوى ديگر، با بيان «ابلغ قومك هذا عنى»، اهميت اين مسئله را به مرد اعرابى نشان مى‏دهد.

ج: در حديث اسحاق بن عمار، پيامبر فرمودند:«من و جبرائيل و مؤمنان صالح پاداش دهنده زائر اميرالمؤمنان هستيم» ولى نسبت به نوع پاداش روشن نكردند چه پاداشى به زائر حضرت عطا خواهد شد. اين مبهم گفتن حضرت ممكن است به اين مفهوم باشد كه حضرت در روز قيامت متناسب با نياز زائر، آن چنان پاداش و ثواب عظيمى به او مى‏دهد كه فرد، كاملا راضى و خشنود مى‏شود و با دلى مطمئن روز قيامت را پشت سر مى‏گذارد.

بخش سوم: زيارت صديقه كبرى فاطمه زهراعليها السلام‏

يزيد بن عبدالملك از جد خويش نقل مى‏كند كه روزى نزد حضرت فاطمه‏عليها السلام‏رفتم. حضرت پيش از من، بر من سلام كرد و فرمودند: چه چيزى سبب شده كه نزد ما بيايى؟ در جواب گفتم: طلب بركت (مرا به سوى شما روانه كرده است). حضرت صديقه - سلام الله عليها - فرمودند:

«پدرم به من خبر داد كه هر كس بر من و ايشان، سه روز سلام و درود بفرستد، خداوند متعال، بهشت را بر او واجب مى‏كند.»(26)

من گفتم: آيا در زمان حيات شما و ايشان؟ حضرت فاطمه‏عليها السلام‏فرمودند: «بله! در زمان ما و پس از وفاتمان.»(27)

در حديثى ديگر اميرمؤمنان، على - عليه السلام - از فاطمه زهراء - سلام الله عليها - نقل مى‏كند كه پيامبر به حضرت فرمودند:

«يا فاطمه! من صلى عليك غفر الله و الحقه بى حيث كنت من الجنة.»(28)

«اى فاطمه! هر كس سلام و درود بر تو بفرستد، خداوند متعال (تمام گناهان او را)مى‏بخشد و او را در بهشت به من ملحق مى‏كند.»

امام جعفر صادق - سلام الله عليه - در حديثى كيفيت و چگونه سلام بر حضرت صديقه را توضيح مى‏دهند. حضرت مى‏فرمايند:

«هر كه به زيارت (صديقه)طاهره فاطمه زهرا - سلام الله عليها - برود و بگويد:

"السلام عليك يا سيدة نساء العالمين، السلام عليك يا والدة الحجج على الناس اجمعين، السلام عليك ايتها المظلومة الممنوعة حقها، اللهم صل على امتك و ابنة نبيك صلاة تزلفها فوق زلفى عبادك المكرمين من اهل السماوات و اهل الارضين"

آن گاه استغفار كند، خداوند او را مى‏بخشد و وارد بهشت مى‏كند.»(29)

ره‏آوردهاى زيارت‏

با توجه به روايات مذكور، از ديدگاه پيامبر اكرم، حضرت محمد - صلى الله عليه و آله - ثمرهاى بسيار مهمى بر زيارت فاطمه زهرا - سلام الله عليها - مترتب مى‏شود:

1 - بخشش گناهان؛

2 - ورود به بهشت؛

3 - ملحق شدن به پيامبر در بهشت.

البته مترتب شدن اين امور، بدون حساب و برنامه نخواهد بود. ناگفته پيداست كه براى رسيدن به هر يك از اين امور سنخيت روحى اخلاقى و معنوى لازم است و اين سنخيت بايستى در دنيا كسب شود. اهل زيارت، توجه به مقام معصوم، تأمل در متن زيارت نامه و تلاش در تهذيب و تزكيه نفس، و مراعات آداب زيارت مى‏تواند در ايجاد اين سنخيت و تتميم و تكميل آن، نقش مؤثرى داشته باشد

در اينجا تذكر دو نكته، ضرورى است:

1 - در حديث اول، فرد براى نيل به خير و بركت به سوى خانه صديقه كبرى - سلام الله عليها - روانه شده بود. بركت در لغت به معنى پايدارى و به جاى ماندن است. با توجه به همين معناى اصلى است كه بركت را به معنى امن و اعتماد و اطمينان نيز دانسته‏اند. در اصطلاح اين واژه را بيشتر در معنى رشد و فزونى و سعادت به كار برده‏اند.(30) با اين توصيف، رابطه بين سؤال فرد و جواب حضرت - سلام الله عليها - روشن مى‏شود؛ چرا كه فرد در جست‏وجوى امنيت و اطمينان و سعادت در زندگى خويش بود و حضرت فاطمه زهرا - سلام الله عليها - بهترين وناب‏ترين بركت كه همانا بهشت است و راه نيل به آن كه چيزى جز پذيرش ولايت اهل بيت - سلام الله عليهم اجمعين - نيست را به وى معرفى كردند.

2 - در حديث دوم، بيان شده كه يكى از ره‏آوردهاى زيارت فاطمه زهرا - سلام الله عليها - ملحق شدن به پيامبر - صلى الله عليه و آله - است. اهميت اين مسأله زمانى روشن مى‏شود كه توجه داشته باشيم در بهشت بلكه در جهنم نيز، درجات و مراتب هر يك از بهشتيان و يا دوزخيان، متفاوت است بر پايه آموزه‏هاى دينى، چنان نيست كه بهشتيان يا دوزخيان همه در يك درجه باشند، بلكه آنها به تفاوت اعمالشان و به تناسب خلوص نيت و ميزان معرفتشان، مقامات متفاوتى دارند و اصل عدالت به طور يقين در آن دنيا، حاكم است.(31)

خداوند متعال در اين باره مى فرمايد:

«و لكل درجات مما عملوا»(32)

«براى هر كدام از آنها درجاتى است بر طبق اعمالى كه انجام داده‏اند.»

نه تنها بهشتيان و دوزخيان در مراتب و درجات، متفاوت هستند بلكه در نوع متنعم شدن و يا عذاب شدن نيز متفاوت‏اند. از برخى از آيات قرآن به دست مى‏آيد كه همه بهشتيان از تمام نوشيدنى‏هاى بهشتى نمى‏نوشند بلكه سلسله مراتبى دارند كه به تناسب آن بهره‏مند مى‏شوند.(33) عالم بزرگ، محمد بن بابويه قمى در باره آيه «عينا يشرب بها المقربون»(34) نوشته است:

«اعتقاد ما درباره بهشت اين است كه دارالبقاء و دار السلامة است و مرگ و پيرى و بيمارى و ناخوشى و زوال و زمين‏گيرى و هم و غم و حاجت و فقر در آن نيست...اهل بهشت همسايگان خداوند(جيران الله) و اوليا و احباى او و اهل كرامت هستند و در بهشت مرتبه‏هاى متفاوت دارند. بعضى متنعم به تسبيح و تقديس و تكبير خداوند و همانند ملائكه هستند و بعضى به انواع خوردنى‏ها و آشاميدنى‏ها و ميوه‏ها و نشستگاه‏هاى دلپذير و مصاحبت حورالعين بهره‏مندند و ولدان مخلدون (پسركان خدمتكار جاودانه)در خدمت آقا هستند... .»(35)

بى گمان بالاترين مقام و درجه از آن اشرف مخلوقات عالم هستى حضرت ختمى مرتبت، محمد مصطفى - صلى الله عليه و آله - است و هم‏جوارى با ايشان، ره‏آورد بسيارى گران بهايى است كه از رهگذر زيارت دخت گرامى پيامبر، نصيب آدمى مى‏شود. بسى سزاوار است كه اين مسئله را شيعيان و دل شيفتگان حضرت غنيمت بشمارند.

بخش چهارم: زيارت امام حسن مجتبى‏عليه السلام‏

در كتاب امالى صدوق آمده است كه رسول اكرم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله‏وسلم - در مورد زيارت امام حسن مجتبى - عليه السلام - فرمودند:

«هر كس او را - امام حسن عليه السلام - در بقيع زيارت كند، گام هايش در روزى كه تمام گامها متزلزل است، استوار خواهد بود.»(36)

پيامبر اسلام در جايى ديگر خطاب به امام حسن - عليه السلام - فرمودند:

«گروهى از مسلمانان به قصد احسان و نيكى به من به زيارت تو خواهند آمد، به همين دليل، به هنگام روز قيامت، من آنها را زيارت مى‏كنم و اعضاى آنها را گرفته و آنان را از سختى‏ها و گرفتارى‏هاى آن روز نجات مى‏دهم.»(37)

در حديثى ديگر، پيامبر اسلام اين مسأله را براى زيارت امام على و امام حسن - عليهم‏السلام - نيز بيان مى‏كند و در آن افزون بر رهايى از سختى‏هاى روز دهشت‏انگيز قيامت، هم درجه و هم رتبه شدن با پيامبر را نيز به عنوان يكى از فضيلت‏هاى زيارت اين بزرگواران بيان مى‏كند.(38)

سيد مرتضى - نيز از استاد بزرگوار خويش، شيخ مفيد حديثى از پيامبر اسلام نقل مى‏كند كه حضرت خطاب به امام حسن مجتبى - عليه السلام - فرمودند:

«هر كه تو را پس از وفاتت و يا پدر و يا برادرت را زيارت نمايد، بهشت از آن او خواهد بود.»(39)

علامه مجلسى‏رحمه الله‏نيز در كتاب گران سنگ بحار الانوار آورده است: امام محمد باقر - عليه السلام - فرمودند:

«رسول خدا - صلى الله عليه و آله - هر گاه به امام حسين - عليه السلام - مى‏رسيد، امام حسين - عليه‏السلام - حضرت را مجذوب خود مى‏كرد از اين رو، پيامبر خطاب به اميرمؤمنان، على - عليه السلام - مى‏فرمودند كه او را بگيرد. آن گاه بر روى او خم مى‏شدند و او را مى‏بوسيدند و مى‏گريستند. امام حسين - عليه‏السلام - از پيامبر پرسيد: اى پدر من! چرا گريه مى‏كنى؟ نبى اكرم در جواب امام حسين - عليه‏السلام - فرمودند: محل (زخمهاى) شمشيرها را مى‏بوسم و مى‏گريم.»

اباعبدالله، پرسيدند: يا رسول الله! آيا من كشته خواهم شد؟

حضرت پاسخ دادند:

«بله! قسم به خدا تو و پدر و برادران، كشته خواهيد شد.»

حضرت پرسيد: آيا بارگاه و قبرهاى ما پراكنده است؟

نبى اكرم پاسخ دادند: «بله! اى فرزند دلبندم.»

امام حسين - عليه‏السلام - پرسيد: پس چه كسانى از امت تو، ما را زيارت مى‏كند؟

پيامبر اكرم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله‏وسلم - فرمودند:

«لايزورنى و يزور اباك و اخاك و انت الا الصديقون من أمتى»(40)

«من و تو و پدر و برادرت را زيارت نمى‏كند مگر صديقان امت من»

ره‏آوردهاى زيارت‏

از روايات بالا استفاده مى‏شود كه در زيارت جگر گوشه نبى اكرم - صلى الله عليه و آله - اين ثمرات نهفته است:

1 - بهشت برين؛

2 - رهايى از سختى‏ها و گرفتارى‏هاى روز قيامت؛

3 - هم رتبه شدن با پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - ؛

4 - ثابت قدمى بر پل صراط در روز قيامت؛

5 - قرار گرفتن در زمره صديقان.

بايد توجه داشت كه واژه «صديق» صيغه مبالغه صدق است ؛ صدق در قول و عمل. صدق در عمل آن است كه عمل مطابق گفتار باشد، زيرا عمل نشان دهنده اعتقاد است و كسى كه در گفتار خود راستگو است از ضمير خود خبر مى‏دهد. صدق در گفتار هم آن است كه مطابق با واقع باشد و چون خود گفتار هم يك نوع عمل است، كسى كه در عمل صادق باشد فقط از آنچه كه آن را راست مى‏پندارد و حق مى‏داند خبر مى‏دهد. از اين رو در گفتار وى صدق خبرى و مخبرى هر دو جمع است.

از آنچه گفته شد به دست مى‏آيد كه صديق كسى است كه اصلا دروغ نمى‏گويد و كارى جز حق انجام نمى‏دهد. از هواى نفس پيروى نمى‏كند و آنچه را كه حق مى‏داند مى‏گويد و چيزى جز حق را نمى‏بيند. پس وى حقايق اشيا را مى‏بيند.(41)

صديقان در نزد خداوند متعال داراى آن چنان مقام والايى هستند كه بر اساس گفته قرآن به كسانى كه به خداوند و پيامبران الهى ايمان مى‏آورند، مقام صديق عطا مى‏شود(42) و به حكم خداوند - نه اين كه خودشان از نظر مقام با آنان برابر باشند - پاداشى و نورى همچون پاداش و نور آنان خواهند داشت.

از روايات مذكور اين نكته نيز به دست مى‏آيد كه حيات و مرگ پيامبر اكرم و امامان معصوم - عليهم السلام - يكسان است؛ زيرا زيارت دوران حيات و مرگ، اجر و آثار يكسان دارد. از اين رو، لازم است كه زائر به گونه‏اى در حرم شريف آنان حضور پيدا كند كه اگر زنده مى‏بودند، در كنارشان حضور پيدا مى‏كرد و زيارت در دوران مرگ بايد همان آثار و سازندگى دوران حيات را براى او داشته باشد.

توجه به اين نكته هم ضرورى است كه ثواب هايى كه در اين نوشتار بيان مى‏شود، جملگى بيانگر عظمت و جلالت قدر معصوم است.

بخش پنجم: زيارت امام حسين‏عليه السلام‏

در متون روايى، احاديث فراوانى به چشم مى‏خورد كه جملگى بيانگر فضيلت سيد و سالار شهيدان، امام حسين - عليه السلام - است. اين روايت‏ها از جهت تعداد و كميت و از نظر كيفيت و فضيلتى كه بيان مى‏كنند به گونه‏اى است كه آدمى را به تعجب و شگفتى وا مى‏دارد. در اين بخش به پاره‏اى از اين روايات كه از زبان مبارك پيامبر اسلام نقل شده است اشاره مى‏شود.

امام جعفر صادق - عليه السلام - فرمودند:

«روزى امام حسين - عليه السلام - دامن نبى اكرم - صلى الله عليه و آله - بود و حضرت با امام حسين بازى مى‏كردند و او را مى‏خنداندند. عايشه به پيامبر گفت: اى رسول خدا چقدر اين طفل را دوست دارى؟ حضرت به او جواب داد: "واى بر تو باد! چگونه او را دوست نداشته باشم و به او ابراز علاقه نكنم در حالى كه او ميوه دل و نور ديده گاه من است. امت من او را [مظلومانه‏] خواهند كشت و به همين دليل هر كه او را پس از وفاتش زيارت كند، خداوند ثواب يك حج، از حج‏هاى من را براى او مى‏نويسد." عايشه گفت: يك حج از حج‏هاى تو اى رسول خدا؟ حضرت فرمودند: "بلكه دو حج از حج‏هايم را" عايشه گفت: دو حج از حج‏هايت؟ حضرت فرمودند: "بله بلكه چهار تا".»

امام صادق - عليه‏السلام - در ادامه فرمودند:

«عايشه همچنان تعجب مى‏كرد و پيامبر بر تعداد حج‏ها مى‏افزود تا اين كه به نود حج از حج‏هاى رسول خدا - صلى الله عليه و آله - به همراه عمره‏هاى آن رسيدند.»(43)

عبدالله بن عباس نيز در اين باره مى‏گويد: روزى نزد پيامبر اسلام رسيدم و ديدم امام حسن - عليه‏السلام - بر دوش پيامبر است و امام حسين - عليه‏السلام - بر روى پاى مبارك حضرت و پيامبر آن دو بزرگوار را مى‏بوسند و مى‏گويند: «اللهم وال من والاهما و عاد من عاداهما»(44) آنگاه پيامبر رو به من كردند و فرمودند:

«ابن عباس روزى را مى‏بينم كه محاسن او (امام حسين - عليه‏السلام -) به خون خويش خضاب شده است و او مردم را به سوى خود مى‏خواند ولى آنان دعوت او را اجابت نمى‏كنند. او مدد مى‏جويد اما هيچ كس به يارى او بر نمى‏خيزد.»

پرسيدم: اى رسول خدا! چه كسى چنين كارى را با او مى‏كند؟ حضرت فرمودند:

«بدترين افراد امتم (نمى‏دانم) از اين كار چه چيزى به آنها مى‏رسد؟ خداوند شفاعت من را نصيب آنها نكند.»

سپس حضرت فرمودند:

«يا ابن عباس من زاره عارفا بحقه، كتب الله له ثواب الف حجة و الف عمرة الا و من زاره فكانما زارنى و من زارنى فكأنما زار الله و حق الزائر على الله أن لا يعذبه بالنار، الا و ان الاجابة تحت قبته و الشفاء فى تربته و الائمة من ولده.»(45)

«ابن عباس هر كه او را زيارت كند و نسبت به حق او شناخت و معرفت داشته باشد، خداوند متعال، ثواب هزار حج و هزار عمره را براى او مى‏نويسد. بدان و آگاه باش هر كس كه او را زيارت كند، پس مانند اين است كه مرا زيارت كرده و هر كه مرا زيارت كند، همانند اين است كه خداوند را زيارت كرده باشد و حق چنين زائرى بر خداوند اين است كه او را با آتش جهنم عذاب نفرمايد. بدان و آگاه باش كه برآورده شدن تمام حاجات، زير گنبد [حرم‏] اوست و شفا(ى تمام دردها) در خاك و تربت او [نهفته‏] است و تمام ائمه از نسل او هستند»(46)

در حديثى ديگر، پيامبر اسلام در فضيلت زيارت امام حسين - عليه‏السلام - فرمودند:

«من زار الحسين - عليه السلام - بعد موته، فله الجنة.»(47)

«هر كس، حسين‏عليه السلام‏را پس از وفاتش زيارت كند، بهشت از آن اوست.»

اميرمؤمنان، على - عليه السلام - نيز از پيامبر اكرم شنيدند كه در خصوص زائران سيدالشهداء - عليه السلام - در آخر زمان فرمودند:

«در آخرالزمان قومى مى‏آيد كه قبر فرزندم - حسين - را زيارت مى‏كنند، هر كه قبر او را زيارت كند، همانند اين است كه مرا زيارت كرده باشد و هر كه مرا زيارت كند، همانند اين است كه خداوند سبحانه و تعالى را زيارت كرده باشد. بدانيد و آگاه باشيد كه هر كه حسين را زيارت كند، مثل اين است كه خداوند را در عرش الهى زيارت كرده باشد.»(48)

در حديث ديگرى افزون بر اين كه زائران امام حسين - عليه السلام - زائران پيامبر و خداوند سبحان قلمداد شده‏اند، اجر و پاداش فوق العاده‏اى نيز براى آنان بيان شده است. امام صادق - عليه السلام - در اين باره فرمودند:

«در شب معراج وقتى پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - شبانه به سوى آسمان رفتند ندا داده شد كه خداوند تبارك و تعالى وى را از سه چيز آگاه مى‏سازد. يكى از اين سه خبر درباره كيفيت كشته شدن امام حسين - عليه‏السلام - بود (در آنجا)به پيامبر گفته شد:

"هر كه به سوى قبر او آيد، مورد تكريم الهى قرار مى‏گيرد، چرا كه زائران او - حسين - زوار تو هستند و زوار تو، زائران من و تكريم و بزرگداشت زائرانم بر عهده من است و من هر آنچه كه بخواهند به آنها مى‏بخشم و آن چنان اجر و پاداشى به ايشان بدهم كه هر فردى كه به اين پاداش و بزرگداشت من نگاهش بيفتد، غبطه زائر امام حسين را بخورد".»(49)

نبى اكرم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله‏وسلم - در حديثى ديگر كه امام صادق - عليه‏السلام - آن را نقل مى‏كنند خطاب به صديقه دو عالم، حضرت فاطمه زهرا - سلام الله عليها - در مورد فضايلى كه خداوند تبارك و تعالى براى زيارات سيد و سالار شهيدان امام حسين - عليه السلام - قرار داده است مى‏فرمايد:

«تمام ملائكه براى مظلوميت فرزند تو مى‏گريند و همه اشياى عالم براى او ابراز تأسف و اندوه مى‏كنند. هر كه به زيارت او آيد به منزله اين است كه به حج بيت الله الحرام و عمره مفرده مشرف شده است و هيچ گاه حتى به اندازه چشم به هم زدنى از درياى بى كران رحمت الهى، دور نخواهد شد و هنگامى كه ديده از اين دنيا فرو بندد، همچون شهيد از دنيا خواهد رفت و اگر زنده بماند هم چنان در امان و پناه خداوند سبحان باقى خواهد ماند تا اين كه اين دنيا را ترك كند.»(50)

پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - در حديثى ديگر فرمودند:

«خداوند هفتاد هزار فرشته ژوليده موى غبار غم گرفته را موكل كرده است تا بر امام حسين - عليه السلام - هر روز، سلام و درود بفرستند و در حق فردى كه به زيارت حضرت، مشرف شده است دعا كنند. رئيس اين فرشتگان، فرشته‏اى است كه به آن منصور گفته مى‏شود. از اين رو، هيچ فردى نيست كه به زيارت امام حسين - عليه السلام بيايد مگر اين كه اين فرشتگان به استقبال او در آيند و هيچ فردى نيست كه با امام حسين - عليه السلام - وداع و خداحافظى كند مگر اين كه آنهابه مشايعت او و همراهى آيند و چنان چه مريض شود، عيادتش مى‏كنند و اگر بميرد، بر جنازه او نماز به جا مى‏آورند و براى وى استغفار مى‏كنند.»(51)

ره‏آوردهاى زيارت

ره‏آوردهاى زيارت امام حسين - عليه السلام - بسيار فراوان است و در يك دسته بندى مى‏توان آنها را به آثار دنيايى و آخرتى تقسيم كرد. در اينجا به برخى از آثار مطرح شده در روايات نبوى، اشاره مى‏شود.

الف: آثار دنيايى‏

1 - عيادت كردن هفتاد هزار ملك، به هنگام بيمارى زائر؛

2 - نماز خواندن هفتاد هزار ملك بر جنازه زائر؛

3 - اجابت دعا در زير گنبد امام حسين - عليه السلام - ؛

4 - شهادت قلمداد شدن مرگ زائر امام حسين - عليه السلام - ؛

5 - غرق شدن در درياى بى كران رحمت الهى ؛

6 - در پناه و امان خداوند بودن.

ب: آثار آخرتى:

1 - زيارت رسول خدا ؛

2 - زيارت خداوند متعال در عرش الهى ؛

3 - نوشته شدن ثواب هزار حج و هزار عمره ؛

4 - در امان بودن از آتش جهنم ؛

5 - نوشته شدن هفتاد حج و عمره رسول خدا - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله‏وسلم - در كارنامه اعمال انسان ؛

6 - بهشت ؛

7 - رسيدن به اجر و پاداش فوق العاده ؛

8 - مورد تكريم الهى واقع شدن ؛

9 - استغفار هفتاد هزار ملك براى زائر، پس از مرگ او.

زيارت خداوند در عرش الهى‏

از جمله آثار زيارت امام حسين - عليه السلام - همان گونه كه گذشت، ملاقات با خداوند متعال است. حال اين پرسش مطرح مى‏شود كه مراد از ملاقات چيست؟ آيا اين گونه روايات را بايستى بر ظاهر آنها حمل كرد و بگوييم خداوند سبحان در قالب بدنى مادى كه با چشم سر ديده مى‏شود در عرش الهى، نمايان مى‏شود و يا مراد مفهومى فراتر از ظاهر اين روايات است و اصولا اين نوع روايات را بايستى به گونه ديگرى تفسير كرد؟

در پاسخ بايد گفت، بر پايه آموزه‏هاى ناب شيعه، خداوند متعال هرگز داراى جسم و مكان نيست و اين گونه روايات و آيات را بايد تأويل كرد. در اين مورد چند تأويل از بزرگان و عالمان شيعه بيان شده است.

شيخ طوسى - رحمة الله عليه - كه از بزرگترين، عالمان شيعه‏اند در معناى اين گونه احاديث گفته است: مراد اين است كه ثواب و تكريم زائر آن حضرت - عليه السلام - در روز قيامت، همانند كسى است كه خداوند او را به آسمان برده و به عرش خود كه - ملائكه حامل آن هستند - نزديك مى‏كند و برگزيدگان از فرشتگان خود را به او مى‏نماياند، به گونه‏اى كه موجب تأكيد بر تكريم او مى‏شود.(52) مشابه اين تعبير را مجلسى اول - رحمة الله عليه - نيز آورده است.(53)

يك زيارت برتر از هزار حج و عمره‏

در متون دينى، افزون بر روايت‏هاى مذكور، روايات فراوانى به چشم مى‏خورد كه ثواب هزاران حج و عمره براى زيارت هر يك از ائمه اطهار - عليهم‏السلام قرار داده است. برخى از اين روايات بيانگر اين است كه زيارت يك امام مساوى است با ثواب حج و عمره‏هاى كه پيامبر اسلام آنها را انجام داده است.(54) طبق روايت‏هاى ديگرى، ثواب و پاداش زيارت امام معصوم - عليه‏السلام - معادل با هزاران حج و عمره‏اى است كه مقبول درگاه الهى واقع شده است.(55) بر هيچ انسانى پوشيده نيست كه بهترين و ناب‏ترين حج و عمره از نظر فضيلت و كمال، حج و عمره‏اى است كه يا نبى اكرم اسلام - صلى الله عليه و آله - انجام دهد و يا مورد قبول درگاه الهى واقع شده باشد. با اين توصيف، در اينجا دو پرسش، مطرح مى‏شود البته اين دو پرسش، اختصاص به زيارت اباعبدالله الحسين - عليه السلام - ندارد.

1 - چرا زيارت ائمه اطهار - عليهم السلام - برتر از هزاران حج و عمره و حتى بر پايه برخى از روايات بهتر از جهاد در راه خداست؟ به بيان ديگر، چه سرى در زيارت اهل بيت نهفته است كه اين چنين اجر و پاداش براى آن اختصاص داده شده است.

در پاسخ به اين پرسش، فقيه فيلسوفان و فيلسوف فقيهان، ملا محسن فيض كاشانى - رحمة الله عليه - مى‏گويد:

«رواياتى كه ثواب زيارت ائمه اطهار - عليهم السلام - را بيشتر از حج و عمره، و جهاد در راه خدا مى‏داند، بيش از آن است كه شمارش شود. سِرّ برترى زيارت بر اين امور آن است:

اول: هر كسى كه ادعاى مسلمانى مى‏كند - حتى اگر ناصبى باشد - اهل حج، عمره، جهاد و امثال آن است، در حالى كه زيارت ائمه اطهار - عليهم السلام - اختصاص به افرادى دارد كه آشناى به قدر و منزلت آنان - هر چند ناقص - و معتقد به ايشان باشند.

دوّم: حرم‏هاى شريف ائمه اطهار - عليهم السلام - مشهد ارواح بلند و مقدس آنان و محل حضور اشباح برزخى نوريشان است. آن ارواح بلند در حالى كه زنده، خوشحال و روزى خورده از فضل پروردگارشان هستند، در آن مكان‏هاى شريف حضور پيدا مى‏كنند [و زائر در فضايى كه روح امام معصوم - عليه السلام - حضور دارد نفس مى‏كشد، عبادت و راز و نياز مى‏كند.]

سوم: زيارت ائمه اطهار - عليهم السلام - صله و نيكى به خود آنان، رسول خدا - صلى الله عليه و آله - اميرالمؤمنان، فاطمه - عليهاالسلام - شيعيان، دوستدارانشان و بلكه نيكى به ساير انبيا و اوصياى الهى است و موجب خوشحالى آنان، اجابت دعوت، تجديد عهد با ولايت، زنده نگه داشتن مرام و غلبه بر دشمنانشان مى‏شود. همه اينها عبادت خداست و سبب مى‏شود كه انسان به فضايل و بركاتى كه نزد خداست برسد و به رضاى او دست يابد؛ زيرا خوشحال كردن مؤمن عادى اگر آن همه فضيلت و ثواب دارد، فضيلت و ثواب خوشحال كردن پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله - و ائمه اطهار - عليهم السلام - كه از خطا و گناه معصوم هستند و خداوند آنان را امام مؤمنان پيشرو پروا پيشگان قرار داد، آسمان و زمين را براى آنان آفريد، صراط، سبيل، و راهنماى به سوى او، دروازه رحمت الهى، وسيله ارتباط بين او و بندگانش هستند و... غير قابل توصيف است.

اما حج، عمره، جهاد و مانند آن اگر چه موجب انفاق مال، ترك وطن، تحمل مشقت‏ها و... مى‏شود، ليكن فضيلت اين امور در حد زيارت نيست، زيرا با آن كه عبادت الهى، اجابت امر او و موجب خشنودى خدا و اولياى او مى‏شود، اما آن فضايل ديگر را كمتر مى‏توان در اينها يافت.»(56)

2 - با اندكى تأمل و درنگ در روايات نبوى و حتى غير نبوى مشاهده مى‏كنيم كه براى زيارت سيدالشهداء بلكه ساير ائمه اطهار عليهم السلام - نسبت به اين كه زيارت امام معادل چند حج و يا عمره باشد، اختلاف به چشم مى‏خورد. از باب نمونه در خصوص زيارت اباعبدالله الحسين - عليه السلام - پاره‏اى از روايات نبوى، ثواب معادل با 90 حج رسول خدا به همراه عمره‏هاى آن و بر اساس دسته‏اى ديگر از روايات نبوى ثواب هزار حج و هزار عمره در جوار پيامبر اسلام، تعيين كرده‏اند. دسته‏اى ديگر از اين روايات فقط ثواب هزار حج و هزار عمره را براى اين زيارت، تعيين كرده‏اند. حال پرسش اين است كه علت اين اختلاف در روايات چيست؟ و چگونه مى‏توان آن را بر طرف كرد؟

در پاسخ به اين پرسش بايد بگوييم كه بدون ترديد انسان‏ها و اعمال آنها كاملا متفاوت از يكديگر است. هيچ انسانى را در اين دنيا نمى‏توان يافت كه رفتار و كردار او كاملا عين انسان ديگر باشد. از اين رو، اختلاف در ميزان ثواب و فضل زيارت چه بسا بر اساس اختلاف و تفاوت اشخاص باشد.

عالم بزرگ شيعه، علامه مجلسى - رحمة الله عليه - در اين باره مى‏گويد:

«چه بسا، اختلاف اين گونه روايات در مقدار فضيلت و ثواب به سبب تفاوت اشخاص و اعمال و ميزان خوف و مسافت باشد، چرا كه ثواب هر عمل خير و نيكو، متناسب با مرتبه اخلاص، معرفت، تقوا و ساير شرايطى كه سبب كمال عمل مى‏شود، از ديگر كارهاى خير متفاوت است و شايد اين اختلاف در ثواب به اين سبب باشد كه اصولا ائمه اطهار - عليهم السلام - با مردم به اندازه فهم و درك آنها، صحبت مى‏كردند و از روايات به دست مى‏آيد كه احوال فرد پرسشگر را در ضعف و شدت ايمان ملاحظه مى‏كردند تا كلام آنها سبب انكار و كفر او نشود.»(57)

فلسفه اين همه پاداش و ثواب‏

با بررسى، آموزه‏هاى دينى به آسانى در مى‏يابيم كه ثواب و پاداشى كه خداوند متعال براى زائر سيدالشهداء - عليه السلام - در نظر گرفته است آن چنان فراوان است كه انسان را به تعجب و شگفتى وا مى‏دارد و با قطع و يقين مى‏توان ادعا كرد كه در زيارت امام رضا و امام حسين - عليهماالسلام - بعضا اجر و پاداشى بيان شده است كه در زيارت هيچ يك از ائمه اطهار - عليهم السلام - آن اجر و پاداش، ديده نمى‏شود. حال ممكن است اين پرسش در ذهن هر انسانى مطرح شود كه چرا خداوند متعال اين همه ثواب و پاداش را به زيارت امام رضا و امام حسين - عليهماالسلام - اختصاص داده است؟ چگونه مى‏شود خداوند سبحان اين همه ثواب كه به شمارش نمى‏آيد به زائران بدهد؟

ممكن است براى اين پرسش پاسخ‏هاى گوناگون و متعددى وجود داشته باشد ولى به هر صورت، بيان تشرف سيد بحرالعلوم - رحمة الله عليه - به محضر شريف حضرت امام عصر - عليه السلام - در اينجا خالى از لطف نيست.(58)

سيد بحر العلوم - رحمة الله عليه - به قصد تشرف به سامرا تنها به راه افتاد در بين راه درباره اين مسأله كه گريه بر امام حسين - عليه السلام - گناهان را مى‏آمرزد، فكر مى‏كرد. در اين هنگام شخص عربى سوار بر اسب به او رسيد و سلام كرد. بعد رو به سيد كرد و پرسيد:

«جناب سيد! درباره چه چيزى به فكر فرو رفته‏اى و در چه انديشه‏اى؟ اگر مسأله علمى است بفرماييد شايد من هم اهلش باشم.»

سيد بحر العلوم عرض كرد:

در اين باره فكر مى‏كنم كه چطور مى‏شود خداوند متعال اين همه ثواب به زائران و گريه كنندگان حضرت سيدالشهداء - عليه السلام - مى‏دهد. مثلاً در هر قدمى كه در راه زيارت بر مى‏دارند ثواب يك حج و يك عمره در نامه اعمالشان مى‏نويسند و براى يك قطره اشك تمام گناهان صغيره و كبيره شان آمرزيده مى‏شود؟

سوار عرب فرمود:

«تعجب نكن من براى شما مثالى مى‏آورم تا مشكل حل شود.»

سلطانى به همراه درباريان خود به شكار مى‏رفت. در شكارگاه از لشكريان دور شد و به سختى فوق العاده‏اى افتاد و بسيار گرسنه شد. خيمه‏اى را ديد وارد آن خيمه شد. در آن سياه چادر پيرزنى با پسرش زندگى مى‏كرد آنان بزشيردهى داشتند و از مصرف شير اين بز زندگى خود را مى‏گذراندند، وقتى سلطان وارد شد او را نشناختند ولى براى پذيرايى از ميهمان، بز را سر بريدند و كباب كردند ؛ چون چيز ديگرى براى پذيرايى نداشتند.

سلطان شب را همان جا خوابيد و روز بعد از ايشان جدا شد و هر طورى بود خودش را به درباريان رسانيد و جريان را براى اطرافيان نقل كرد.

در نهايت از ايشان سؤال كرد: اگر من بخواهم پاداش مهمان نوازى پيرزن و فرزندش را داده باشم چه عملى بايد انجام بدهم؟

يكى از حضار گفت: به او صد گوسفند بدهيد.

ديگرى كه از وزيران بود گفت: صد گوسفند و صد اشرفى بدهيد.

يكى ديگر گفت: فلان مزرعه را به ايشان بدهيد.

سلطان گفت: هر چه بدهم كم است ؛ زيرا اگر سلطنت و تاج و تختم را هم بدهم آن وقت مقابله به مثل كرده‏ام، چون آنها هر چه را داشتند به من دادند، من هم بايد هر چه دارم به ايشان بدهم تا سر به سر شود.»

بعد سوار عرب به سيد فرمود:

«حالا جناب بحرالعلوم حضرت سيدالشهداء - عليه السلام - هر چه از مال و منال و اهل و عيال و پسر و دختر و برادر و خواهر و سر و پيكر داشت همه را در راه خدا داد، پس اگر خداوند به زائران و گريه كنندگان آن حضرت اين همه اجر و ثواب بدهد، نبايد تعجب كرد؛ چون خدا كه خدايى اش را نمى‏تواند به سيدالشهداء بدهد، پس كارى را كه مى‏تواند انجام مى‏دهد، يعنى با صرف نظر از مقامات عالى خود امام حسين - عليه‏السلام - به زوار و گريه كنندگان آن حضرت هم درجاتى عنايت مى‏كند، و در عين حال اينها را جزاى كامل فداكارى آن حضرت نمى‏داند.»

وقتى شخص عرب اين مطالب را فرمود از نظر سيد بحرالعلوم ناپديد شد.(59)

زيارت با معرفت‏

يكى از مسائلى كه فراوان مورد تأكيد و سفارش معصومان - عليهم‏السلام - است معرفت معصوم و آگاهى از منزلت اوست. در روايات بسيارى، معرفت و آگاهى، شرط كمال زيارت حضرت سيدالشهداء - عليه‏السلام - بلكه ائمه اطهار - عليهم السلام - قلمداد شده است.

هند حناط مى‏گويد: از امام صادق - عليه السلام - شنيدم كه فرمود:

«هر كس حسين - عليه السلام - را زيارت كند در حالى كه عارف به حق وى باشد و او را امام خود برگزيند، خداوند گناهانش را مى‏آمرزد.»(60)

امام كاظم - عليه السلام - نيز كمترين پاداش زيارت قبر حسين - عليه‏السلام - را آمرزش گناهان معرفى كرده است ليكن به شرط آن كه زائر، عارف به حق امام، احترام و ولايت وى باشد.(61)

در حديثى ديگر ايشان در مورد زيارت على بن موسى الرضا - عليه‏السلام - فرمودند:

«... هر كس امام رضا - عليه السلام - را(كه در شهر غريب از دنيا مى‏رود) زيارت كند در حالى كه تسليم امر او و عارف به حقش باشد، در پيشگاه الهى از منزلت شهداى بدر برخوردار است.»(62)

سِرّ اين كه توصيه كرده‏اند، زيارت زائر با معرفت باشد آن است كه آنچه مايه كمال زيارت مى‏شود، معرفت و شناخت مقام و موقعيت معصوم است، نه اعمالى بى روح و همراه با غفلت و ناآگاهانه. ثواب‏هاى آخرت و آثار دنيايى كه در روايات آمده، بر زيارت واقعى مترتب است. يعنى جايى كه ارتباط معنوى با معصوم برقرار شود و منشأ تحول در زائر شود نه بر سياحت و زيارت جسمى و صورى.

شاهد اين ادعا كلام بزنطى است كه مى‏گويد: در نامه حضرت ثامن الحجج، على بن موسى الرضا - عليه السلام - خواندم كه فرمود: اين پيام را به شيعيان ما برسانيد كه زيارت من در پيشگاه الهى با هزار حج برابرى مى‏كند. (تعجب كردم از اين رو)به امام جواد - عليه السلام - گفتم: واقعا با هزار حج برابرى مى‏كند؟ فرمود:

«آرى! به خدا سوگند با هزار هزار (يك ميليون) حج برابرى مى‏كند (ليكن) براى كسى كه همراه با معرفت زيارتش كند.»(63)

با اين توصيف كاملا روشن مى‏شود، كه معرفت و آگاهى شرط كمال زيارت ائمه اطهار - عليهم السلام - است.(64) البته اين كه امام معصوم - عليه‏السلام - داراى چه شخصيتى است معرفت او چگونه ممكن است، حق او چيست؟ مطالبى است كه بحث‏هاى طولانى طلب مى‏كند ليكن به طور خلاصه مى‏توان گفت: بر اساس روايات متعدد، زيارت با معرفت يعنى اعتقاد به اين كه معصوم مثلاً امام رضا - عليه‏السلام - هشتمين حجت خداست و پس از او چهار معصوم ديگر نيز خواهد آمد.

در ميان موجودات عالم، انسان اشرف مخلوقات است و در ميان انسانها، انسان كامل معصومان - عليهم‏السلام - هستند، كه داراى جامعيتى هستند كه هيچ موجودى به جامعيت آنان نخواهد بود.

جامعيت عينى و علمى اهل بيت نبوت و امامت - عليهم‏السلام - به عنوان انسان كامل به اين معناست كه اول: هر كمال ممكن را واجدند، دوم: هر چه را دارا هستند، مصون از عيب و نقص است، سوم: هر چه را در مرحله حدوث واجد بودند در مرحله بقاء نيز دارا خواهند بود. اين مقام جمع‏الجمعى را مى‏توان از عديل بودن آنان با كتاب بى بديل الهى، يعنى قرآن، استنباط كرد. رسول اكرم - صلى الله عليه و آله - طبق نقل محدثان شيعه و سنى فرمود:

«انى تارك فيكم الثقلين ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا بعدى، احدهما اعظم من الاخر: كتاب الله، حبل ممدود من السماء الى الارض و عترتى اهل بيتى، و لن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروا كيف تخلفونى فيهما.»(65)

مخاطبان اين پيام، وارثان تمدن غنى و قوى اسلام در پهنه زمان و گسترده زمين‏اند. يعنى نه نسل هيچ عصرى و زمانى از آن توصيه سعادت آفرين مستثناست و نه مردم هيچ عصر و ديارى از آن جدا خواهند بود.

چنين وصيت فراگيرى نشان از هماهنگى كامل تكوين انسانى و تدوين الهى است، به طورى كه همه مردم روى زمين تا بامداد معاد، در بخش علم و عمل، نيازمند به رهنمود و رهبرى قرآن و عترت هستند و هيچ مكتبى تا شامگاه تاريخ بشرى پديد نمى‏آيد جز آن كه لازم است جهان بينى و جهان آرايى آن به قرآن و عترت - عليهم السلام - عرضه شود و پاسخ نفى يا اثبات آن از ثقلين استنباط شود.

چنين آگاهى و معرفت در مقام و منزلت امام مى‏تواند زمينه اطاعت و تسليم در مقابل اوامر و نواهى معصوم را كه همان فرمان خداست، فراهم‏كند.

امام صادق - عليه السلام - از فضيلت زيارت عارفانه امام رضا - عليه‏السلام - سخن گفت. حمزة بن حمران پرسيد: قربانت گردم منظور از معرفت حق او چيست؟ حضرت فرمود:

«اين كه بداند او واجب الاطاعة، غريب و شهيد است (و براى تبليغ دين، هدايت مردم و پايدارى و استقامت در راه حق، غريبانه به شهادت رسيده است).»(66)

زائر زمانى عارف به حق امام است و به ولايت و حرمت وى آگاهى دارد و از او پيروى مى‏كند كه او را معصوم، افضل و اعلم از ديگران، جانشين رسول خدا - صلى الله عليه و آله - و منصوب از جانب خدا بداند. اوامر و دستورهايش را اوامر الهى بشمارد، تبعيت از وى را در تمام امور زندگى واجب بداند با پيروى از سنت او خط سير زندگى خود را ترسيم كند.(67) از خداوند متعال مى‏خواهيم كه ما را از زمره عارفان به ائمه اطهار - عليهم السلام - و حق آنان قرار دهد:

«اسئلك أن تدخلنى فى جملة العارفين بهم و بحقهم.»

از آنچه كه گذشت، به دست مى‏آيد كه معرفت و آگاهى شرط كمال زيارت است و آثار دنيايى و آخرتى كه در روايات بيان شده است، متوقف بر آن است، ولى در اينجا نبايد اين نكته را از ذهن دور داشت كه اين مسئله به اين معنا نيست كه اگر فردى بدون معرفت به زيارت امام معصومى مشرف مى‏شود از زيارت هيچ بهره‏اى نبرد. به نظر مى‏آيد زيارت اهل بيت - عليهم السلام - و لو بدون معرفت آثار وضعى بسيار مثبتى براى روح و جسم در بر دارد. از سوى ديگر، اهل بيت عصمت و طهارت و خداى ايشان بسيار كريم‏تر و بزرگوارتر از اين هستند كه فقط به زائر عارف، پاداش و اجر بدهند. عبادت و سيره اهل بيت، نيكى و احسان به دوستان بلكه به دشمنان خويش بوده است: «عادتكم الاحسان و سجيتكم الكرم»(68) از اين زائرى كه به پابوسى امامى مشرف شده است و لو عارف به حق امام نباشد باز اين بارقه اميد هست كه اهل بيت - عليهم السلام - اجر و پاداشى در خور فرد به او عبادت كنند.

از ديگر دلايل اختلاف روايات درباره ثواب زيارت ائمه آن است كه ظرفيت مخاطبان مختلف بوده است و نيز گاه در زمان صدور روايت مطلب جا افتاده نبوده بعدها كه زمينه توضيح فراهم شده، حقايق بيشترى گفته شده است.

پي نوشت ها:

1) امور فطرى به امورى گفته مى‏شود كه اين سه ويژگى را دارا باشند: 1 - همگانى باشند و اختصاص به رنگ، نژاد، تاريخ، مليت و يا سرزمين ندارد؛ 2 - همانند علوم حصولى نياز به تعليم و تعلم نداشته باشند بلكه در نهاد و نهان آدمى تعبيه شده باشد؛ 3 - تبليغات منفى، تحميل و فشار نتواند آن را ريشه كن كند، اگر چه ممكن است از شدت و حرارت آن بكاهد. توجه به اين نكته ضرورى است كه امور فطرى به لحاظ هماهنگى آن با طبيعت انسان و نظام خلقت چنان كه در مسير صحيح قرار گيرد و به شيوه پسنديده از آن استفاده شود، به يقين موجب كمال انسان خواهد بود، ر.ك: فطرت در قرآن، ص 26.

2) برخى از اين آثار همچون «كامل الزيارات» به جنبه‏هاى نقلى مسأله پرداخته و آداب زيارت و كيفيت شان را با استناد به احاديث و روايات بيان كرده‏اند و تعداد انگشت شمارى نيز به بحث‏هاى عقلى آن پرداخته و با نگاهى فيلسوفانه آن را مورد تحليل قرار داده‏اند، فلسفه زيارت، احمدى عابدى، قم، انتشارات زائر، چاپ اول 1376 ص 11.

3) زيارت جامعه.

4) بحار الانوار، محمد باقر مجلسى، بيروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق، ج 97، ص 122 و ج 110، ص 363 ؛ كامل الزيارات، جعفر بن محمد بن قولويه قمى، مؤسسه نشر الفقاهه، 1417ق، ص 552.

5) همان، ج 97، ص 122.

6) الزاء و الواو و الراد اصل واحد يدل على الميل و العدول. من ذلك الزور: الكذب لأنه مائل عن طريقة الحق... يقال ازور عن كذا اى مال عنه. معجم مقاييس اللغة، احمد بن فارس، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، 1404 ق، ج 3، ص 319 ؛ ر.ك: مجمع البحرين، فخرالدين الطريحى، المكتبة المرتضويه، ج 3، ص 319.

7) معجم مقاييس اللغة، ج 3، ص 3156.

8) ر.ك: معجم البحرين، ج 3، ص 319، مصباح المنير، ص 261.

9) و الزيارة فى العرف قصد المزور اكراما له و استيناسا به.» مصباح المنير، همان.

10) الغدير، علامه امينى، دارالكتاب العربى، ج 5، ص 97.

11) من زار قبرى وجبت له شفاعتى.» همان، ص 93.

12) الغدير، ج 5، ص 93.

13) من زارنى فى حياتى أو بعد مماتى كان فى جوارى يوم القيامة.» كامل الزيارات، ص 45.

14) بحارالانوار، ج 97، ص 143 ؛ وسائل‏الشيعه، الحرالعاملى، بيروت، دارالاحياء التراث العربى، ج 10، ص 262.

15) من زارنى بعد وفاتى فكأنما زار فاطمه.» بحار الانوار، ج 97، ص 122.

16) قرآن در آيات متعددى به توصيف قيامت مى‏پردازد: ر.ك: سوره مؤمن (40) آيه 16 - 20.

17) سوره مؤمن (40) آيه 18.

18) سوره لقمان (31) آيه 33.

19) كافى، شيخ كلينى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ج 4، ص 548 ؛ كامل الزيارات، ص 44 ؛ من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، قم، جامعة المدرسين، 1404 ق، ج 2، ص 565 ؛ المزار، شيخ مفيد، قم، مدرسه الامام المهدى، ص 170.

20) وسايل الشيعة، ج 10، ص 264 ؛ كافى، ج 4، ص 552 ؛ بحارالانوار، ج 97، ص 182.

21) سوره نمل (27) آيه 69.

22) ر.ك: ادب فناى مقربان، عبدالله جوادى آملى، قم، مركز نشر اسراء، 1381، ص 25.

23) من زار عليا بعد وفاته فله الجنة.» المقنعه، شيخ مفيد، قم، جامعه مدرسين، 1410 ق، ص 462 ؛ خصائص الائمه، شريف رضى، مشهد، مجمع البحوث الاسلاميه، ص 40 ؛ وسائل‏الشيعه، ج 10، ص 296 ؛ مناقب آل ابى‏طالب، ابن شهر آشوب، نجف، مطبعة الحيدريه، 1376 ق، ج 3، ص 99.

24) من اتاه زائرا فقد اتانى و انا المجازى له يوم القيامة و جبرائيل و صالح المؤمنين.» بحارالانوار، ج 97، ص 263 ؛ المزار، محمد بن مشهدى، قم، نشر القيوم، 1419 ق، ص 38.

25) عن رسول الله - صلى الله عليه و آله - «من زار على بن ابيطالب فكأنما زار فاطمه.» بحارالانوار، ج 97، ص 123 ؛ بشارة المصطفى، محمد بن على الطبرى، قم، النشر الاسلامى، 1420ق، ص 220 ؛ مجمع النورين، ص 280.

26) اخبرنى ابى و هو ذاهو، انه من سلم عليه و على ثلاثة ايام اوجب الله له الجنة.»

27) بحار الانوار، ج 97، ص 194.

28) بحار الانوار، ج 43، ص 55، ج 97، ص 194 ؛ كشف الغمة فى معرفة الائمه، الاربلى، بيروت، درالاضواء، 1405ق، ج 2، ص 100.

29) موسوعة زيارت المعصومين‏عليهم السلام، قم، مؤسسه الامام الهادى، 1425ق، ج 1، ص 269.

30) ر.ك: دايرة المعارف تشيع، تهران، نشر شهيد محبى، 1376 ش، ج 3، ص 189.

31) ر.ك: تفسير نمونه، ناصر مكارم شيرازى و همكاران، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1380 ش، ج 21، ص 340.

32) سوره احقاف (46) آيه 19.

33) ر.ك: تفسير نمونه، ج 21، ص 442.

34) چشمه‏اى است كه مقربان درگاه خدا از آن مى‏نوشتند.» سوره مطففين (83) آيه 28.

35) اسرار آيات، صدر المتألهين، تصحيح خواجوى، ص 217، به نقل از دائرة المعارف تشيع، ج 3، ص 532.

36) عن ابن عباس عن رسول الله - صلى الله عليه و آله - فى حديث، قال: «من زاره فى بقيع ثبتت قدمه على الصراط يوم تزل فيه الأقدام.» موسوعة زيارات المعصومين، ج 1، ص 303.

37) عن رسول‏الله - صلى‏الله‏عليه‏وآله - «نزورك طائفة من امتى يريدون به برى وصلتى،فاذا كان يوم القيامة زرتهاالموقف فأخذت بأعضادها فأنجيتها من اهواله و شدائده.» بحارالانوار، ج 97، ص 145، ج 10، ص 441 ؛ اعلام الورى بأعلام الهدى، طبرسى، قم، آل البيت لاحياء التراث، 1417ق، ج 1، ص 95.

38) قال رسول الله - صلى الله عليه و آله -: «يا على! من زارنى فى حياتى أو بعد موتى أو زارك فى حياتك أو بعد موتك أو زار ابنيك فى حياتهما أو بعد موتهما ضمنت له يوم القيامة أن أخلصه من اهوالها و شدائدها حتى اُصيره معى فى درجتى.»، «اى على! هر كه مرا در زمان حيات و يا پس از وفاتم زيارت كند و يا تو را در حيات و يا بعد از وفاتت زيارت كند و يا تو را در حيات و يا بعد از وفاتت زيارت نمايد و يا دو فرزند تو را در زمان حيات و يا بعد از وفات آن دو زيارت كند، من براى او تضمين مى‏كنم كه در روز قيامت او را از سختى‏ها و گرفتارى‏هاى روز قيامت نجات دهم به گونه‏اى كه او را هم رتبه و هم درجه با خودم گردانم.» بحار الانوار، ج 97، ص 123.

39) قال رسول الله‏صلى الله عليه وآله‏للحسن: «من زارك بعد موتك او زار اباك أو اخاك فله الجنة.» بحارالانوار، ج 97،ص‏145؛الفصول‏المختاره، شيخ‏مفيد،بيروت،دارالمفيد،1404ق،ص‏103.

40) كامل الزيارات، ص 147 ؛ بحار الانوار، ج 97، ص 119.

41) تفسير الميزان، علامه طباطبايى، قم، مؤسسه اسماعيليان، 1394ق، ج 4، ص 407.

42) و الذين آمنوا بالله و رسله اولئك هم الصديقون و الشهداء عند ربهم لهم اجرهم و نورهم» سوره حديد (57) آيه 19.

43) بحار الانوار، ج 98، ص 35.

44) بار الها! دوستداران ايشان را دوست دارد و دشمنان ايشان را دشمن.»

45) جامع الاحاديث الشيعه، تحت اشراف آيةاللَّه بروجردى، قم‏1377 ش، ج 15، ص 235.

46) در كتاب بحارالانوار آمده است كه پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - روزى به نزد فاطمه زهرا - سلام الله عليها - آمدند. حضرت صديقه كبرى طعامى از خرما و نان و روغن تدارك ديدند و پيامبر، حضرت على، فاطمه، امام حسن و امام حسين - سلام الله عليهم اجمعين - گِرد هم آمدند تا جملگى از آن طعام بخورند. پس از آن كه طعام را خوردند، پيامبر اكرم سر به سجده گذاشتند و سجده ايشان به طول انجاميد، پيامبر هم چنان كه سر به سجده گذاشتند گريستند و پس از مدتى، خنديدند. آن گاه سر از سجده برداشتند و نشستند. حضرت على - عليه السلام - به پيامبر گفتند: اى رسول خدا! امروز از شما حالتى ديديم كه تا پيش از اين، چنين چيزى مشاهده نكرده بوديم. پيامبر اكرم - صلى الله عليه و آله - در جواب او فرمودند: «هنگامى كه با شما غذا مى‏خوردم از اين كه همه دور هم هستيم و در سلامت به سر مى‏بريم خوشحال و مسرور شدم. از اين رو، سر به سجده گذاشتم تا شكر الهى را به جا آورم. در همين حين جبرائيل - عليه السلام - بر من نازل شد و گفت: آيا براى پروردگارت براى اين شادى سجده شكر به جاى مى‏آورى؟ در جواب او گفتم: بله! گفت: نمى‏خواهى تو را از آنچه كه پس از تو، بر اهل بيتت جارى مى‏شود، آگاه سازم؟ پاسخ دادم: آرى اى برادر من، اى جبرائيل! جبرائيل به من گفت: «اما دخترت، اولين فرد از اهل بيت توست كه پس از وفاتت به تو ملحق مى‏شود در حالى كه به او ظلم وستم مى‏شود و حق او را ضايع مى‏كنند و او را از ارث باز مى‏دارند و در حق شوهرش ظلم مى‏كنند و پهلو او را مى‏شكنند. اما پسر عمويت، به او ظلم مى‏شود و او را نيز از حقش باز مى‏دارند در نهايت او را به قتل مى‏رسانند. اما حسن؛ به او نيز ظلم مى‏شود و او را نيز از حقش باز مى‏دارند و او را با سم به قتل مى‏رسانند و اما حسين، او نيز مورد ظلم وستم واقع مى‏شود و از حقش منع مى‏شود و اسبان او را لگدكوب مى‏كنند و بار و بنه او به يغما مى‏برند و زنان و فرزندان او را اسير مى‏كنند و او در حالى كه از خون پوشيده است، به خاك سپرده مى‏شود و او را گروهى دفن مى‏كنند كه با او نسبتى و قرابتى ندارند.» وقتى اين را شنيدم، گريستم و به او گفتم آيا فردى او را زيارت مى‏كند؟ پاسخ داد: بله! او را بيگانگان زيارت مى‏كنند و ثواب هزار حج و هزار عمره تو، براى آنها نوشته مى‏شود آن گاه خنديدم. بحارالانوار، ج 98، ص 44.

47) موسوعه زيارات المعصومين، ج 3، ص 88.

48) همان، ص‏92.

49) موسوعه زيارات المعصومين، ج 3، ص 91.

50) عن ابى عبدالله‏عليه السلام‏قال: «كان الحسين‏عليه السلام‏مع امه تحمله فأخذه النبى‏صلى الله عليه وآله‏و قال لعن الله قاتلك الى أن قال، اما ترضين أن تكون الملائكة تبكى لابنك و يأسف عليه كل شى‏ء اما ترضين أن يكون من اتاه، بمنزلة من حج الى بيت الله الحرام و اعتمر و لم يخل من الرحمة طرفة عين و اذا مات، مات شهيدا و ان بقى لم تزل الحفظة تدعو له ما بقى و لم يزل فى حفظ الله و امنه حتى يفارق الدنيا.» موسوعه زيارات المعصومين، ج 3، ص 9.

51) قد وكل الله تعالى بالحسين - عليه السلام - سبعين الف ملك شعثا غبرا يصلون عليه كل يوم و يدعون لمن زاره و رئيسهم ملك يقال له: منصور فلايزوره زائرا الا استقبلوه و لاودعه مودع الا شيعوه و لايمرض الا عادوه و لاميت الا صلوا على خبازته و استغفروا له بعد موته.» پيامبر فرمود: «چهار هزار فرشته ژوليده موى غبار غم گرفته در گرداگرد قبر امام حسين - عليه السلام - وجود دارد كه تا روز قيامت براى او گريه مى‏كنند» «ان حول قبره اربعة آلاف ملك شعثا غبرا يبكون عليه الى يوم‏القيامة.» بحارالانوار، ج 98، ص 62 ؛ كامل الزيارات، ص 175 ؛ وسائل‏الشيعه، ج 10، ص 318.

52) قال الشيخ معنى قول الصادق‏عليه السلام‏من زار رسول الله‏صلى الله عليه وآله‏كان كمن زار الله فوق عرشه، هو أن لزائره عليه السلام من المثوبة و الأجر العظيم و التبجيل فى يوم القيامة كمن رفعه الله الى سمائه و ادناه من عرشه الذى تحمله الملائكة و اراه من خاصة ملائكته ما يكون به توكيد كرامته و ليس على ما تظنه العامة من مقتضى التشبيه‏بحارالانوار، ج 97، ص 144.

53) روضة المتقين، محمد تقى مجلسى، تهران، بنياد فرهنگ اسلامى كوشان‏پور، ج 5، ص 363.

54) ابى عبدالله - عليه السلام - قال رسول الله لها(عايشه) «... فمن زاره (الحسين عليه السلام) بعد وفاته كتب الله له حجة من حججى... .» بحار الانوار، ج 98، ص 35.

55) از امام كاظم - عليه السلام - نقل شده است: «هر كس كه فرزندم (امام رضا - عليه السلام) را زيارت كند از ثواب هفتاد هزار حج قبول شده برخوردار است. راوى با تعجب پرسيد: ثواب هفتاد حج؟ فرمود: آرى! هفتاد هزار حج. راوى با تعجب پرسيد: هفتاد هزار حج؟ فرمود: چه بسا حج كه مورد قبول واقع نمى‏شود.» اصول كافى، ج 4، ص 585.

56) الحقايق، ص 287.

57) بحار الانوار، ج 98، ص 44.

58) بايد توجه داشت كه تشرف به محضر شريف حجة ابن الحسن‏عليه السلام چه در زمان غيبت صغرى و چه در زمان غيبت كبرى حضرت به يقين براى جمعى از بزرگان و برخى مردم عادى دست داده و در هر يك از اين ديدارها كرامتى نصيب اين سعادتمندان شده است بر گرفته از كتاب 59 نكته درباره امام زمان - عليه‏السلام -، سيد على حسينى، نشر شيعه، 1382 ش، ص 156.

59) بركات حضرت ولى عصر، سيد جواد معلم، ص 208 - 210، به نقل از العبقرى الحسان، ج‏1، ص 229.

60) من زار الحسين - عليه السلام - عارفا بحقه يأتم به غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر.» كامل الزيارات، ص 264.

61) أدنى ما يثاب به زائر الحسين - عليه السلام - شبط الفرات اذا عرف حقه و حرمته و ولايته أن يغفر له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر.» همان، ص 263.

62) فمن زاره مسلما لأمره عارفا بحقه كان عند الله جل و عز كشهداء بدر» بحار الانوار ج 99، ص 41.

63) عن بزنطى قال: قرأت كتاب ابى الحسن الرضا - عليه السلام - «أبلغ شيعتى أن زيارتى تعدل عند الله عز و جل الف حجة» قال: قلت لأبى جعفر - عليه السلام - الف حجة؟ قال - عليه السلام - «اى والله الف، الف حجة لمن زاره عارفا بحقه.» بحار الانوار، ج 99، ص 33.

64) معرفت و آگاهى نه تنها شرط كمال زيارت ائمه اطهار - عليهم السلام - است، بلكه درباره طواف كعبه زيارت مؤمن نيز اين تعبير آمده است، از باب مثال، ابراهيم تيمّى مى‏گويد: در حال طواف كعبه بودم كه امام صادق - عليه السلام - با تكيه زدن بر من فرمودند: اى ابراهيم! آيا تو را از فضيلت اين طوافى كه انجام مى‏دهى آگاه نسازم؟ گفتم: قربانت گردم، مايل هستم. فرمود: «هر كه به سراغ اين خانه بيايد و در حالى كه عارف به حق آن است، با هفت شوط دور آن طواف كند و سپس دو ركعت نماز در مقام ابراهيم - عليه السلام - بگذارد، خداوند ده هزار حسنه براى او مى‏نويسد و ده هزار درجه وى را بالا مى‏برد.» بحار الانوار، ج 71، ص 319. درباره مؤمن نيز آمده است: «هر كسى كه براى زيارت برادر مؤمنش از خانه خارج شود در حالى كه عارف به حق وى باشد، براى هر قدمى كه بر مى‏دارد. حسنه‏اى براى او نوشته مى‏شود و گناهى ازاو محو مى‏شود و درجه‏اى بالا مى‏رود. هنگامى كه در خانه او را به صدا در مى‏آورد، درهاى آسمان به رويش گشوده مى‏شود. وقتى كه با يكديگر ملاقات، مصافحه و معانقه مى‏كنند، خداوند به آنها توجه كرده بر ملائكه مباهات مى‏كند و مى‏گويد: بنگريد به دو بنده من كه براى من يكديگر را زيارت مى‏كنند و همديگر را دوست مى‏دارند. بر من لازم است كه آنان را عذاب نكنم... .» بحار الانوار، ج 73، ص 34.

65) مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدين الهيثمى، بيروت، دارالكتب العلميه، 1408ق، ج 9، ص 163 ؛ مسند احمد، احمد بن حنبل، بيروت، دار صادر، ج 3، ص 17 ؛ بحار الانوار، ج 2، ص 100 و ج 23، ص 108.

66) قلت جعلت فداك و ما عرفان حقه؟ قال عليه السام: «يعلم أنه مفترض الطاعة، غريب شهيد...» بحار الانوار، ج 99، ص 35 ؛ الامالى، شيخ صدوق، ص 183 ؛ وسائل الشيعه، ج 10، ص 435.

67) برگرفته از كتاب ادب فناى مقربان، جوادى آملى، ص 42 - 49.

68) زيارت جامعه كبيره.